



انديشگده‌های حکمرانی و قانون گذاری استانی



حراه حکمرانی

روزنامه‌الکترونیکی
@HOKMRAH
شماره ۲۷

انديشگده‌های حکمرانی و قانون گذاری استانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۳۰ خرداد ۱۴۰۰
۰۵ محرم ۱۴۴۷
۲۰ ژوئن ۲۰۲۱
شماره ۲۷ مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

@HOKMRAH



تیتريهای امروز

محمدحسن سعیدی مطلق

استاد راهبر طرح احمدی روشن بنیاد ملی نخبگان و پژوهشگر

الزامات حکمرانی در دوران جنگ و پسا جنگ

جنگ‌های جدید، مرزهای فیزیکی را پشت سر گذاشته و به میدان ذهن، ادراک و احساسات اجتماعی نفوذ کرده‌اند. در این میدان، دشمن با تسخیر روایت‌ها و دستکاری ادراک جمعی، بنیان همبستگی را هدف می‌گیرد. سرمایه اجتماعی - یعنی شبکه اعتماد، همدلی و همکاری میان مردم با یکدیگر و میان جامعه با حاکمیت - در این شرایط، نه فقط یک دارایی نرم، بلکه سپر دفاعی جامعه در برابر عملیات روانی و حملات شناختی محسوب می‌شود. تجربه بحران‌ها، نشان داده است که همبستگی اجتماعی در زمان تهدیدات معمولاً افزایش می‌یابد، اما اگر این پیوندها به سازوکارهای پایدار و نهادمند تبدیل نشوند، با فروکش کردن بحران به سرعت تحلیل می‌روند

صفحه ۲

محمدصادق محبی نظر

دبیر کمیسیون ملی انرژی مجمع مشورتنی نظام مسائل کشور

جنگ و ژئوپلیتیک انرژی: از شوک قیمتی تا تهدید امنیت انرژی و غذایی

تحولات ژئوپلیتیکی اخیر نشان داده که درگیری‌های نظامی دیگر محدود به میدان نبرد نیستند، بلکه به سرعت به حوزه انرژی سرایت می‌کنند. بازار جهانی نفت و گاز به دلیل وابستگی شدید اقتصاد جهانی، از نخستین قربانیان این بحران‌هاست، حتی بدون کاهش مستقیم تولید، ریسک‌های سیاسی و اختلال در مسیرهای صادراتی می‌تواند شوک قیمتی، بی‌ثباتی و تهدید امنیت انرژی را به همراه داشته باشد...

صفحه ۳

دکتر وحید زارعی شریف

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان گیلان

«لزوم تغییر پارادایم حقوقی سیاست خارجی»

وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا دیروز پنجشنبه به وقت محلی در بیانیه‌ای اعلام کرد که دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) ۹ فرد در لبنان از جمله «محمدرضا شیبانی» سفیر ایران در لبنان و تعدادی از نمایندگان حزب‌الله در مجلس نمایندگان لبنان، مسئولانی از جنبش امل و چند تن از مسئولان نظامی و امنیتی لبنان را به دلیل «اخلال در روند صلح در لبنان و جلوگیری از خلع سلاح حزب‌الله، در فهرست تحریم‌ها قرار داده است».....

صفحه ۴

عزیز عاقبتی

دبیر امور کمیسیون‌ها مجمع مشورتنی نظام مسائل شهرستان تالش



پدافند تونیتري ترامپ در جنگ رمضان

پیش‌تر گفته می‌شد با به بن‌بست رسیدن سیاست، جنگ آغاز می‌شود؛ اما امروزه کارشناسان حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی بر این باورند که با بن‌بست هم‌زمان سیاست و جنگ، رسانه‌ها وارد میدان می‌شوند. نبرد اخیر میان ایران و آمریکا بار دیگر نشان داد که در عصر جنگ‌های ترکیبی، «روایت اول»، چگونگی می‌تواند همپای مین‌های دریایی و موشک‌های ضد کشتی، موازنه قدرت را جابه‌جا کند.....

جمهوری اسلامی: از عمق «سیل‌های موشکی» تا قله «عدالت‌ورزی»

ملت ایران در قریب به نیم‌قرن گذشته، با ایشار و فداکاری بی‌مثال خود نشان داده‌اند که علی‌رغم تمامی ضعف‌های مدیریتی و فشارهای ظالمانه‌ی خارجی، همواره ستون اصلی خیمه‌ی نظام در برابر تهاجمات بوده‌اند.....

صفحه ۵

محمد رضا کفاش جمشید

عضو شورای علمی اندیشگده حکمرانی و قانون گذاری استان اردبیل

ارزیابی تقویم زمانی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران

اگرچه نمی‌توان یک تحلیل قطعی از روند و زمان‌بندی جنگ رمضان (به این دلیل که موضوع مورد بحث مبنی بر سناریوهای فرضی و در حال تحول است)، ارائه داد. با این حال، می‌توان بر اساس گزارش‌های خبری و اطلاعات موجود، تأثیر احتمالی رویدادهای مختلف بر گاه شمار تنش‌ها و درگیری‌های نظامی را بررسی کرد.....

صفحه ۶



احسان عباسپور
استاد دانشگاه و
تحلیلگر حوزه سیاسی

شعبده‌بازی ترامپ با کلمه «صلح»؛ صلح روی کاغذ، جنگ در میدان!

ترامپ در نامه‌ای به کنگره مدعی پایان جنگ با ایران شده، اما پشت این ادعا یک فریب بزرگ نهفته است

فرار از قانون ۶۰ روزه: طبق قانون آمریکا، رئیس‌جمهور برای ادامه جنگ بیش از ۶۰ روز به مجوز کنگره نیاز دارد. ترامپ با ادعای دروغین «خاتمه جنگ»، صرفاً ساعت قانونی را «ریست» کرد تا دوباره بدون اجازه کنگره، دستش برای اقدامات نظامی باز باشد.

محاصره، همان جنگ است: چطور می‌توان دم از پایان جنگ زد در حالی که محاصره نظامی و فشار علیه ایران همچنان ادامه دارد؟ صلح بدون رفع محاصره، یک دروغ بزرگ است.....



صفحه ۷

سرمایه اجتماع به مثابه سپردفاع جامعه در برابر جنگ شناختی: الزامات حکمرانی در دوران جنگ و پساجنگ

محمد حسن سعیدی مطلق، استاد راهبر طرح احمدی روشن بنیاد ملی نخبگان و پژوهشگر



۴. ایجاد سامانه رصد، تحلیل و هشدار زود هنگام شناختی

در عصر انفجار اطلاعات، رصد ادراک عمومی همان قدر حیاتی است که پایش امنیت مرزی. ایجاد شبکه‌ای از مراکز تحلیلی با مشارکت دانشگاه‌ها، اندیشگده‌ها، رسانه‌ها و نهادهای تقنینی می‌تواند تحولات ادراکی جامعه را در زمان واقعی ارزیابی کند. داده‌محوری در تحلیل روایت‌ها، به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد پیش از بروز بحران شناختی، واکنش‌های علمی و به موقع طراحی کنند.

۵. ارتقای سواد شناختی و عدالت ادراکی در جامعه

نیروی انسانی مقاوم در برابر تحریف ادراک، به آموزش مداوم رسانه‌ای نیاز دارد. آموزش روش‌های تشخیص فریب شناختی، خبر جعلی و دستکاری اطلاعات باید در مدارس، رسانه‌ها و آموزش کارکنان دولت نهادینه شود. در کنار آن، رعایت عدالت ادراکی - یعنی شفافیت، انصاف و پاسخ‌گویی در تصمیم‌گیری‌های عمومی - اعتماد را بازتولید و تاب‌آوری اجتماعی را تقویت می‌کند.

در جنگ‌های شناختی، پیروزی نهایی نه بر محور تسلیحات، بلکه در میدان ادراک و اعتماد اجتماعی رقم می‌خورد. جامعه‌ای که مردمش احساس مشارکت، عدالت و دیده شدن داشته باشند، در برابر شدیدترین عملیات روانی نیز ایستادگی می‌کند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران باید سرمایه اجتماعی را همانند زیرساختی راهبردی - در کنار انرژی، امنیت و اطلاعات - در طرح‌های کلان

جنگ‌های جدید، مرزهای فیزیکی را پشت سر گذاشته و به میدان ذهن، ادراک و احساسات اجتماعی نفوذ کرده‌اند. در این میدان، دشمن با تسخیر روایت‌ها و دستکاری ادراک جمعی، بنیان همبستگی را هدف می‌گیرد. سرمایه اجتماعی - یعنی شبکه اعتماد، همدلی و همکاری میان مردم با یکدیگر و میان جامعه با حاکمیت - در این شرایط، نه فقط یک دارایی نرم، بلکه سپردفاعی جامعه در برابر عملیات روانی و حملات شناختی محسوب می‌شود. تجربه بحران‌ها، نشان داده است که همبستگی اجتماعی در زمان تهدیدات معمولاً افزایش می‌یابد، اما اگر این پیوندها به سازوکارهای پایدار و نهادمند تبدیل نشوند، با فروکش کردن بحران به سرعت تحلیل می‌روند. در دوره پساجنگ، همین فاصله میان مردم و مدیریت کلان می‌تواند به ضعف روایت رسمی، رشد شایعات و تضعیف انسجام منجر شود. بر این اساس، یکی از مأموریت‌های اصلی حکمرانی در عصر جنگ‌های ترکیبی، حفظ، بازتولید و نهادینه‌سازی سرمایه اجتماعی شکل گرفته در دوران بحران است.

در این مسیر، مفهوم «حق به شهر» اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. این مفهوم، بر مشارکت عادلانه همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، بهره‌مندی برابر از فضاها و منابع عمومی، و حق اثرگذاری بر آینده محیط زیست شهری تأکید دارد. تحقق این حق، ابزار بازتوزیع قدرت اجتماعی است؛ یعنی به رسمیت شناختن مردم به عنوان کنش‌گران بازسازی و نه صرفاً دریافت‌کنندگان حمایت. نادیده گرفتن این حق، احساس حذف‌شدگی و بی‌اعتمادی را تقویت می‌کند و بستر نفوذ جنگ شناختی را می‌گستراند. در مقابل، عدالت فضایی و مشارکت اجتماعی محلی می‌تواند تاب‌آوری جمعی را تقویت و بنیان حملات روانی را تضعیف کند.

با تکیه بر این چارچوب، پنج الزام حکمرانی کلیدی پیشنهاد می‌شود:

۱. گذار از اطلاع‌رسانی واکنشی به حکمرانی فعال روایت

در شرایط بحران، روایت‌نویسی مسئولانه و مستند، باید به سیاست محوری تبدیل شود. حکمرانی فعال روایت، به معنای حضور پیش‌دستانه در میدان ادراک است؛

جنگ و ژئوپلیتیک انرژی؛ از شوک قیمت تا تهدید امنیت انرژی و غذای

محمدصادق محبی نظر، دبیر کمیسیون ملی انرژی مجمع مشورتی نظام مسائل کشور

مقدمه

تحولات ژئوپلیتیکی اخیر نشان داده که درگیری‌های نظامی دیگر محدود به میدان نبرد نیستند، بلکه به سرعت به حوزه انرژی سرایت می‌کنند. بازار جهانی نفت و گاز به دلیل وابستگی شدید اقتصاد جهانی، از نخستین قربانیان این بحران‌هاست. حتی بدون کاهش مستقیم تولید، ریسک‌های سیاسی و اختلال در مسیرهای صادراتی می‌تواند شوک قیمتی، بی‌ثباتی و تهدید امنیت انرژی را به همراه داشته باشد. این تحلیل، ابعاد راهبردی جنگ اخیر بر نفت، گاز، خطوط لوله، صنایع پایین‌دستی و امنیت انرژی و غذایی را بررسی می‌کند.

شوک سیستماتیک به بازار انرژی:

کارشناسان جنگ اخیر را «شوک سیستماتیک» به بازار جهانی انرژی می‌دانند. بازار انرژی به شدت به انتظارات و ارزیابی‌های ریسک حساس است؛ پیش از وقوع هر اختلال واقعی، افزایش نرخ بیمه، هزینه حمل و ریسک، قیمت‌ها را بالا می‌برد. نفت همچنان ستون فقرات اقتصاد جهانی است، زیرا حمل‌ونقل و صنایع به آن وابسته‌اند. هر تهدیدی علیه مسیرهای دریایی، عرضه جهانی را مختل می‌کند و با توجه به جایگزینی محدود، تأخیر در تحویل محموله‌ها به افزایش قیمت می‌انجامد.

گاز طبیعی؛ حلقه اتصال انرژی به غذا:

گاز طبیعی نقشی دوگانه دارد: تأمین برق و گرمایش از یک سو و تأمین خوراک اصلی صنایع شیمیایی به‌ویژه تولید کودهای اوره از سوی دیگر. سهم گاز در هزینه تولید کود تا ۸۰ درصد است. افزایش قیمت گاز مستقیماً هزینه کود را بالا می‌برد، کشاورزان را با محدودیت مالی مواجه کرده و در نتیجه یا تولید کاهش می‌یابد یا قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد. این زنجیره می‌تواند به بحران امنیت غذایی و تشدید تورم در سبد خانوار منجر شود. گاز به عنوان «متغیر واسطه» عمل می‌کند که بازار انرژی را به امنیت غذایی پیوند می‌زند.

زیرساخت‌ها و مسیرهای حیاتی:

خطوط لوله به عنوان «نهادهای سیاسی-اقتصادی»، جریان پایدار انرژی را تضمین می‌کنند، اما در عین حال آسیب‌پذیر و اهرم فشار در مناقشات ژئوپلیتیکی هستند. مسیرهای صادراتی، ثبات بازار را تعیین می‌کنند؛ تهدید این مسیرها «عرضه مؤثر» را کاهش داده و قیمت‌ها را حتی بدون کاهش کل



تنوع‌بخشی به منابع و مسیرها، توسعه زیرساخت‌های LNG، افزایش ذخایر استراتژیک، و سرمایه‌گذاری در شبکه‌های انتقال انعطاف‌پذیر. کشورهایی که این راهبردها را دنبال کنند، در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی مقاوم‌تر خواهند بود.

جمع‌بندی:

تحلیل جنگ‌های تحمیلی معاصر بدون توجه به نقش انرژی ناقص است. جنگ رمضان نشان داد که حتی بدون کاهش مستقیم تولید، افزایش ریسک ژئوپلیتیکی می‌تواند به تنهایی یک شوک سیستماتیک به بازار جهانی انرژی وارد کند. بازار به جای داده‌های جاری، به «احتمال اختلال» و «پیش‌بینی اختلال» واکنش نشان می‌دهد و همین مکانیسم از طریق افزایش نرخ بیمه، هزینه حمل، ریسک و تأخیر در تحویل قیمت‌ها را پیش از وقوع محدودیت واقعی بالا می‌برد.

نفت همچون ستون فقرات اقتصاد جهانی، به دلیل وابستگی حمل‌ونقل

تولید، افزایش می‌دهد. در این میان، ناوگان سایه (نفتکش‌های خارج از سیستم رسمی) انعطاف بازار را نشان می‌دهد، اما با هزینه‌های پنهان ریسک حقوقی، زیست‌محیطی و بیمه همراه است.

LNG و اسپرد پالایشی:

گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) انعطاف‌پذیری کشورها را در بحران افزایش می‌دهد، اما نیازمند سرمایه‌گذاری کلان در پایانه‌ها و ناوگان است. همچنین، افزایش اسپرد پالایشی (فاصله قیمت بنزین و نفت خام) نشانه فشار در بخش پالایش یا کمبود فرآورده‌هایی مثل بنزین است که می‌تواند تورم حمل‌ونقل و اقتصاد واقعی را دامن بزند. پیامدها برای اقتصادهای بزرگ و راهبردها:

اقتصادهایی مانند آمریکا و اروپا با چالش تورم ناشی از انرژی، کاهش رشد، و نارضایتی اجتماعی مواجه می‌شوند. راهبردهای کلیدی برای تقویت امنیت انرژی عبارتند از:



انديشگده‌های حکمرانی وقانون گذاری استانی



حراه‌عمران

روزنامه‌الکترونیکی
@HOKMRAH
شماره ۲۷

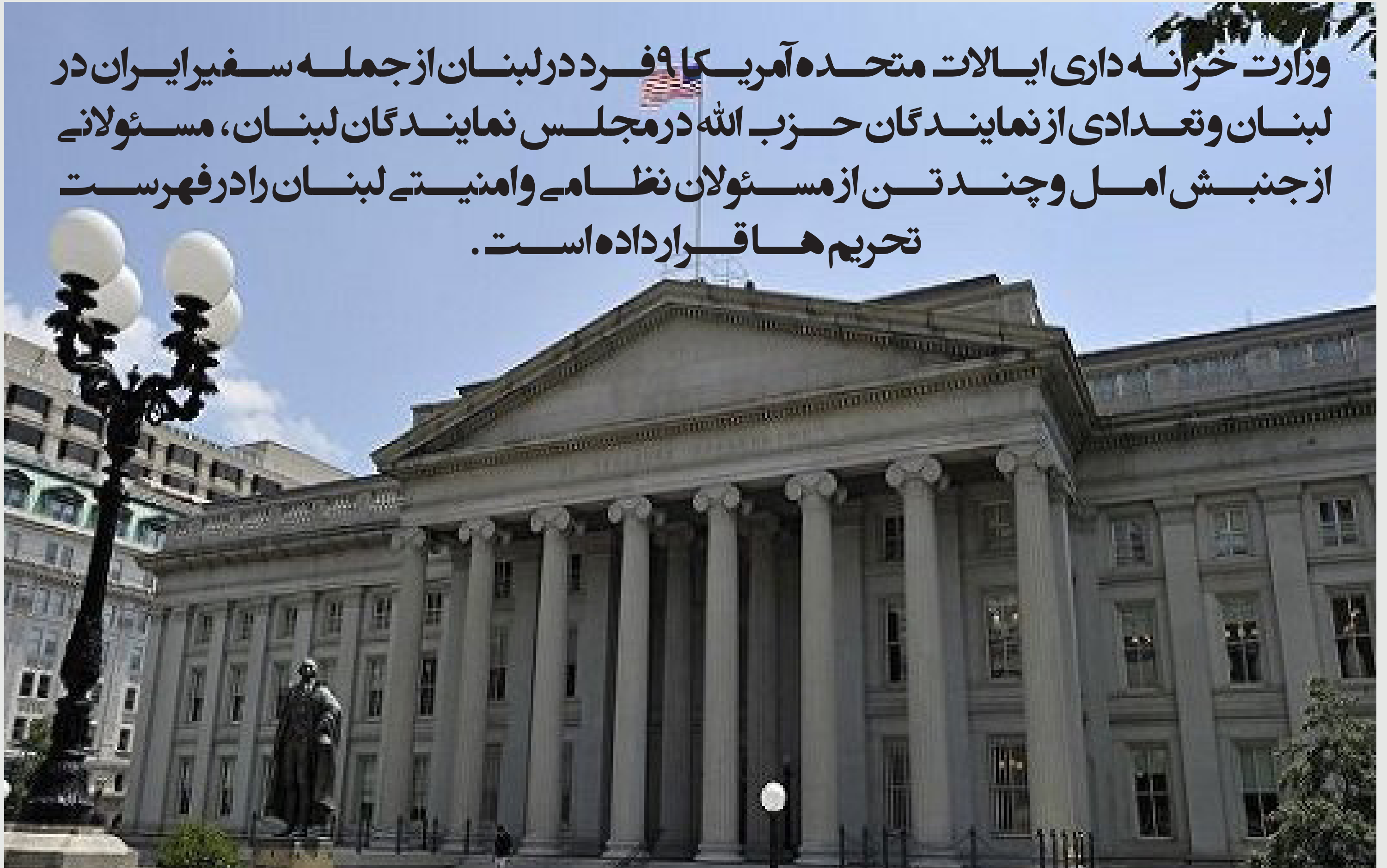
انديشگده‌های حکمرانی وقانون گذاری استانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۳۰ خرداد ۱۴۰۰
۵۰ محرم ۱۴۴۷
۲۰ ژوئن ۲۰۲۱
مركز پژوهش های مجلس شورای اسلامی شماره ۲۷

@HOKMRAH

«لزوم تغییر پارادایم حقوق سیاست خارجه»

دکتر وحید زارعی شریف، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان گیلان



وزارت خزانة داری ایالات متحده آمریکا ۹ فرد در لبنان از جمله سفیر ایران در لبنان و تعدادی از نمایندگان حزب الله در مجلس نمایندگان لبنان، مسئولان از جنبش امل و چند تن از مسئولان نظامی و امنیتی لبنان را در فهرست تحریم ها قرار داده است.

اساسی لبنان است که «هیچ گونه چشم پوشی یا واگذاری بخشی از خاک لبنان جایز نیست» و ایضا در اجرای بند ۵۱ منشور سازمان ملل مبنی بر تحفظ «حق دفاع مشروع در برابر اشغالگر» و قطع نامه های سازمان ملل مبنی بر لزوم خروج اسرائیل از خاک لبنان، تلقی می شود. مضافا به اینکه آمریکا، حامی اصلی اسرائیل، در تناقض آشکار با اصول و قطعنامه های فوق الذکر است.

همچنین توصیه می شود گام های اساسی برای تشکیل اتحادیه مقاومت اسلامی برداشته شود و نیروهای جبهه مقاومت در هر کشوری به عنوان نماینده آن کشور در اتحادیه مقاومت اسلامی به رسمیت شناخته شوند.

این راهکار منطبق بر منویات رهبر معظم انقلاب است؛ چرا که معظم له در پیام مورخ ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ خطاب به شیخ نعیم قاسم تأکید فرمود بر اینکه «سیاست جمهوری اسلامی ایران که بر مسیر امام فقید و فرمانده شهید استوار است، به حمایت از مقاومت در برابر دشمن صهیونیستی و آمریکایی ادامه می دهد».

استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند. قابل تأمل اینکه اصل عدم مداخله در امور داخلی ملت ها پذیرفته شده نه اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی دولت ها.

لهذا ضمن استدعا از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران برای مذاقه در قانون اساسی و قواعد مترقی اسلام و عصر نوین جامعه بین المللی، توصیه می شود راجع به بیانیه اخیر وزارت خزانة داری ایالات متحده آمریکا، ترتیبات مقتضی جهت اتخاذ تدابیر مقابله به مثل از طریق خزانة داری کل کشور (زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی) جهت مشاوره با حزب الله لبنان برای شناسایی و تحریم عناصر نفوذی خائن به لبنان، معمول گردد.

این اقدام متناسب با بند «د» مقدمه قانون اساسی لبنان است که: «ملت، منشأ قدرت و صاحب حاکمیت است» و منطبق بر اصل ۲ قانون

جامعه بین المللی را نمی پذیرد؛ حال آنکه دشمن آمریکایی صهیونی غالباً بر پایه همین استدلال های عصر جدید جامعه بین المللی، اقدامات خود را توجیه می کند.

البته خوشبختانه قانون اساسی مترقی جمهوری اسلامی ایران با اتکای به مبانی و قواعد اسلامی، حتی جلوتر از دوران جدید است و دورنمای جامعه بین المللی آرمانی اسلام بر پایه اصل حمایت از مستضعفان با تعابیری از قبیل استنقاذ و استنصار و اغاثه ملهوف، مفهوم جدید مداخله بشردوستانه را رهنمون شده است.

چنانچه در مقدمه قانون اساسی بر «حرکت برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین» و «تداوم این انقلاب در داخل و خارج کشور» به ویژه در گسترش روابط بین المللی، با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی» در راستای «تشکیل امت واحد جهانی» و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان» تأکید نموده است. مضافا به اینکه طبق اصل ۱۵۴ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و

وزارت خزانة داری ایالات متحده آمریکا دیروز پنجشنبه به وقت محلی در بیانیه ای اعلام کرد که دفتر کنترل دارایی های خارجی (OFAC) ۹ فرد در لبنان از جمله «محمدرضا شیبانی» سفیر ایران در لبنان و تعدادی از نمایندگان حزب الله در مجلس نمایندگان لبنان، مسئولان از جنبش امل و چند تن از مسئولان نظامی و امنیتی لبنان را به دلیل «اخلال در روند صلح در لبنان و جلوگیری از خلع سلاح حزب الله»، در فهرست تحریم ها قرار داده است. اما در مقابل، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران امروز (جمعه اول خرداد) صرفا به صدور بیانیه ای مبنی بر محکومیت شدید اقدام موصوف، بسنده نموده است.

ابتنای عملی دستگاه دیپلماسی ما عمدتاً بر اصل احترام به حاکمیت ملی دولتهاست و کماکان بر همان اصول سنتی حقوق بین الملل و اصل حاکمیت مطلق در مفهوم وستفالیایی اصرار دارد و تحول اصل حاکمیت و تعدیل اصل مداخله در امور داخلی دولت ها و توسعه نرم های بین المللی حقوق بشر و مفهوم امنیت انسانی و شروع دوران جدید



انديشگده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی



حراه‌کمران

روزنامه الکترونیکی
@HOKMRAH
شماره ۲۷

انديشگده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۳۰ خرداد ۱۴۰۰
۵۰ محرم ۱۴۴۷
۲۰ ژوئن ۲۰۲۱
شماره ۲۷
روزنامه الکترونیکی
انديشگده‌های حکمران
و قانون‌گذاری استانی
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

@HOKMRAH



پدافند توئیتی ترامپ در جنگ رمضان

عزیز عاقبتی، دبیر امور کمیسیون‌ها مجمع مشورتی نظام مسائل شهرستان تالش



پیش‌تر گفته می‌شد با به بن‌بست رسیدن سیاست، جنگ آغاز می‌شود؛ اما امروزه کارشناسان حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی بر این باورند که با بن‌بست هم‌زمان سیاست و جنگ، رسانه‌ها وارد میدان می‌شوند. نبرد اخیر میان ایران و آمریکا بار دیگر نشان داد که در عصر جنگ‌های ترکیبی، «روایت اول» چگونه می‌تواند همپای مین‌های دریایی و موشک‌های ضدکشتی، موازنه قدرت را جابه‌جا کند. این نبرد ثابت کرد که یک توئیت سنجیده، تا چه حد قادر است از بروز تلاطم‌های بنیادین در بازار جهانی انرژی و افکار عمومی جلوگیری نماید.

دولت آمریکا و به‌ویژه شخص دونالد ترامپ – که اساساً شخصیتی رسانه‌محور دارد – در جریان جنگ رمضان از شبکه‌های اجتماعی و تربیون‌های خبری نه به عنوان ابزاری برای اطلاع‌رسانی، بلکه به مثابه یک «سلاح راهبردی» بهره‌برد؛ حقیقتی که امروزه غیرقابل‌انکار می‌نماید.

مشاهده کردیم هر زمان که شعله‌های جنگ در منطقه زبانه می‌کشید و قیمت جهانی نفت سیر صعودی می‌یافت، ترامپ با بهره‌گیری از تکنیک‌های عملیات روانی وارد صحنه می‌شد. او با طرح ادعاهای متناقضی همچون «تهدید به نابودی قوای نظامی ایران» از یک سو و تأکید بر «سیگنال‌های تمایل به توافق» از سوی دیگر، ذهنیت بازار جهانی را میان ابهام و انتظار معلق نگاه می‌داشت. این رویکرد اگرچه نتوانست مانع افزایش قیمت نفت شود، اما از شوک‌های عظیم به بازارهای انرژی و فشار اقتصادی ناشی از جنگ بر هم‌پیمانان و اشننگتن کاست.

این بازی روانی با واژه‌ها، دقیقاً هنگامی که بازار در آستانه جهش قیمت بود، از شکل‌گیری تلاطم‌های غیرقابل‌کنترل ممانعت کرد و قیمت‌ها را به سمت ثبات سوق داد تا بدین طریق، از اثرات وضعی ضربات سنگین نیروهای مسلح ایران بر اقتصاد جهانی و شریان‌های انرژی بکاهد.

این وقایع، حقیقت بزرگی را برای تحلیلگران آشکار می‌کند: در عصر حکمرانی رسانه‌ها، نقش رسانه در جنگ‌های ترکیبی صرفاً به گزارش خسارات یا شمارش تلفات محدود نمی‌شود؛ بلکه رسانه خود «میدان اصلی نبرد» است. اگر روزگاری پیروزی با تصرف خاک تعریف می‌شد، امروزه پیروزی در «تصرف ادراک عمومی» و «مدیریت انتظارات بازار» نهفته است.

تحولات موسوم به «جنگ رمضان» میان ایران و ایالات متحده، نقطه عطفی در تاریخ نبردهای نوین بود که در آن، پلتفرم‌های اجتماعی از یک ابزار حاشیه‌ای به یک «سپر دفاعی» و «تیغ بُزان عملیاتی» تبدیل شدند. نوشتار حاضر به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه دونالد ترامپ با استفاده از پدافند رسانه‌ای، سعی در مهار آثار راهبردی اقتدار نظامی ایران داشت.

جمهوری اسلامی؛ از عمق «سیلوهای موشکی» تا قلّه‌ی «عدالت‌ورزی»

ملت ایران در قریب به نیم‌قرن گذشته، با ایثار و فداکاری بی‌مثال خود نشان داده‌اند که علی‌رغم تمامی ضعف‌های مدیریتی و فشارهای ظالمانه‌ی خارجی، همواره ستون اصلی خیمه‌ی نظام در برابر تهاجمات بوده‌اند.

اما امروز، یک پرسش اساسی در برابر ماست: چرا اقتدار خیره‌کننده‌ی ایران در عرصه‌ی نظامی، در ساحت مدیریت اجتماعی و حل چالش‌های روزمره‌ی مردم تکرار نمی‌شود؟ چرا همچنان شاهد انباشت مسائل حل‌نشده در حوزه‌های معیشتی و اداری هستیم؟ حقیقت آن است که ریشه‌ی بسیاری از تلاطم‌های داخلی که بستر موج‌سواری رسانه‌های معاند را فراهم می‌کند، در «لمس بی‌واسطه‌ی ناکارآمدی» است. بی‌عدالتی‌های ملموسی چون گران‌فروشی، احتکار و بحران دسترسی به کالاهای اساسی و دارو، همان نقاطی هستند که باورهای مردم را نشانه گرفته‌اند.

در دآورت‌ر آنکه در این شرایط «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» که مردم با غیرت ملی در برابر تهدیدات ایستاده‌اند، عده‌ای در بدنه‌ی اجرایی، بی‌توجه

به لرزش ستون‌های اعتماد جامعه، همچنان به دنبال نفع‌طلبی و رفتارهای سلیقه‌ای هستند و هیچ برخورد قاطع و نظارت مناسبی از سوی دستگاه‌های نظارتی و دولت مشاهده نمی‌شود. باید با صراحت پذیرفت که بزرگترین خطر برای جمهوری اسلامی، نه بمب‌افکن‌های B-۲ است و نه ناوهای پیشرفته؛ بلکه دشمن اصلی این نظام بی‌عدالتی، ضعف نظارت و در راهروهای اداری است که با بروکراسی فلج‌کننده، بذر ناامیدی می‌کارند.

نمی‌توان از مردم انتظار ایثار مدام داشت، در حالی که در برخی لایه‌های مدیریتی، جسارت لازم برای مقابله با فساد وجود ندارد. وقتی مدیری در سطح محلی توان ایستادگی در برابر انحرافات اداری را ندارد، چگونه می‌توان امید داشت که در برابر مافیای سازمان‌یافته‌ی اقتصادی قد علم کند؟ اگر تدبیری فوری برای پاکسازی بدنه از مدیران بی‌انگیزه و منفعت‌طلب اندیشیده نشود، هزینه‌ی سنگین این «ترک فعل‌ها» را نه آن مدیران لرزان، بلکه همان «سرمایه‌ی اجتماعی» نظام که برای حفظ حاکمیت از عزیزترین جان‌های خود گذشته‌اند.

پایداری این سرزمین بر دو ستون استوار بنا شده است: اقتدار نظامی و عدالت اجتماعی، جمهوری اسلامی همان‌گونه که بر عمق و شکوه شهرک‌های موشکی خود می‌افزاید، باید صدای شکستن استخوان‌های فساد را نیز به گوش ملت برساند. بُرد نهایی اقتدار ما آنجاست که متخصصان در «عمق زمین» دژ نفوذناپذیر می‌سازند و دولتمردان بر «قله‌ی مدیریت»، حصارهای بلند پاکدستی را بنا کنند. توازن میان «سیلوهای بتنی اقتدار» و «ترازوهای دقیق عدالت»، تنها راه عبور از گردنه‌های سخت تاریخ است؛ چرا که ثمره‌ی درختی که با خون شهیدان آبیاری شده، باید در ترازوی عدالتی چشیده شود که کام ملت را شیرین کند.

تداوم این مسیر، پیوند میان حاکمیت و بدنه‌ی وفادار جامعه را سست خواهد کرد. امروز «اصلاح ساختاری» و «برخورد قاطع با کاسبان بحران در داخل»، دیگر نه یک انتخاب مدیریتی، بلکه یک ضرورت امنیتی و حیاتی برای بقای هویت سیاسی ایران است.

فراموش نکنیم در جنگ ترکیبی امروز، پشتمانه‌ی هر موشک، میلیون‌ها قلبی است که باید به اجرای عدالت گرم شود.

ارزیاب‌ تقویم زمان‌ جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران

محمد رضا کفاش جمشید، عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان اردبیل



اگرچه نمی توان یک تحلیل قطعی از روند و زمان بندی جنگ رمضان (به این دلیل که موضوع مورد بحث مبتنی بر سناریوهای فرضی و در حال تحول است)، ارائه داد. با این حال، می توان بر اساس گزارش های خبری و اطلاعات موجود، تأثیر احتمالی رویدادهای مختلف بر گاه شمار تنش ها و درگیری های نظامی را بررسی کرد.

۱. انتخابات میان دوره ای آمریکا (اواسط آبان ماه)

انتخابات میان دوره ای در آمریکا (انتخاب تمام نمایندگان مجلس نمایندگان و یک سوم مجلس سنا) یک عامل سیاسی کلیدی است که ظاهراً بر محاسبات دولت ترامپ تأثیر گذاشته است:

- مخالفت عمومی: طبق نظرسنجی های مختلف (NPR/PBS/Marist) در ماه مارس ۲۰۲۶، ۵۶٪ از آمریکایی ها مخالف اقدام نظامی علیه ایران هستند. این مخالفت گسترده می تواند به ضرر جمهوری خواهان تمام شود.

- هشدار درون حزبی: یک نماینده جمهوری خواه به صورت ناشناس هشدار داده که اعزام نیروی زمینی به ایران می تواند به از دست رفتن ۷۰ تا ۷۰ کرسی در انتخابات مجلس

نمایندگان و حتی به از دست رفتن اکثریت حزب جمهوری خواه در مجلس سنا منجر شود.

- انگیزه برای توافق: تحلیلگران معتقدند که ترس از تبعات اقتصادی و انتخاباتی، انگیزه ای قوی برای دستیابی به پایان درگیری نظامی یا توافق دیپلماتیک پیش از انتخابات ایجاد می کند.

۲. ایام حج

مراسم حج جاری یک ملاحظه حیاتی دیپلماتیک و امنیتی به شمار می رود: توقف حملات: گزارش ها حاکی از آن است که ترامپ در ماه می، پس از

شمالی برگزار می شود، فشار را برای حفظ ثبات افزایش می دهد:

- نگرانی های امنیتی: اگرچه فیفا برنامه بازی ها را تغییر نداده، اما تنش های ژئوپلیتیکی و ناامنی منجر به لغو رویدادهایی مانند بازی فینالیسیما (Finalissima) بین اسپانیا و آرژانتین در قطر شده است.

- ملاحظات داخلی آمریکا: آغاز یک درگیری گسترده هم زمان با بزرگترین رویداد ورزشی جهان، توجه افکار عمومی را از جشن ملی منحرف کرده و ریسک سیاسی داخلی را به شدت افزایش می دهد.

نتیجه گیری

گزارش های موجود تصویر یک درگیری محدود را ترسیم می کنند که زمان بندی آن تحت فشار این رویدادهای ژئوپلیتیکی، مذهبی و اجتماعی قرار دارد. به نظر می رسد هم زمانی این سه رویداد (حج، جام جهانی و نزدیکی انتخابات) یک فضای تنفسی اجباری در تقویم نظامی ایجاد کرده و انگیزه ها را به سمت آتش بس موقت یا دیپلماسی سوق داده است، در این میان آغاز مجدد جنگ به ویژه یک تهاجم زمینی محدود یا تمام عیار می تواند یک فاجعه سیاسی بزرگ به بار آورد.



شعبده بازی ترامپ با کلمه «صلح»؛ صلح روی کاغذ، جنگ در میدان!

احسان عباسپور، استاد دانشگاه و تحلیلگر حوزه سیاسی

ترامپ در نامه ای به کنگره مدعی پایان جنگ با ایران شده، اما پشت این ادعا یک فریب بزرگ نهفته است: فرار از قانون ۶۰ روزه: طبق قانون آمریکا، رئیس جمهور برای ادامه جنگ بیش از ۶۰ روز به مجوز کنگره نیاز دارد. ترامپ با ادعای دروغین «خاتمه جنگ»، صرفاً ساعت قانونی را «ریست» کرد تا دوباره بدون اجازه کنگره، دستش برای اقدامات نظامی باز باشد.

محاصره، همان جنگ است: چطور می توان دم از پایان جنگ زد در حالی که محاصره نظامی و فشار علیه ایران همچنان ادامه دارد؟ صلح بدون رفع محاصره، یک دروغ بزرگ است.

تدارک برای حمله بعدی: این اقدام نه یک حرکت دیپلماتیک، بلکه یک «تنفس مصنوعی حقوقی» است تا نظارت کنگره را دور بزند و در زمان دلخواه، آتش جنگ را دوباره شعله ور کند. در پایان باید گفت که ترامپ جنگ را تمام نکرده، بلکه فقط «لباس قانون» برتن ادامه تنش ها پوشانده است تا قدرت مطلق خود را حفظ کند. لازم به ذکر است حضور مردم با بصیرت در میدان، هوشیاری نیروهای مسلح و تصمیمات هوشمندانه و موثر رهبر معظم انقلاب، مطمئناً بار دیگر نقشه شوم ترامپ، این شیطان بزرگ را نقش بر آب خواهد کرد. و پیروز واقعی ملت سرافراز ایران خواهد بود.